

تحلیل چندوجهی افزایش سن ازدواج

از خانه پدری تا استقلال اقتصادی مسیر دشوار تشکیل خانواده

شهرنشینی گسترده و تغییر سبک زندگی نیز بر الگوی ازدواج اثر گذاشته است

کلی ماندگار |

گزارش

افزایش سن ازدواج در سال‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین تحولات اجتماعی در ایران تبدیل شده‌است؛ تحولی که‌نه‌تنه‌بار ساختار خانواده‌بلکه بر الگوهای جمعیتی، نرخ باروری، بازار مسکن، بازار کار و حتی سبک زندگی جوانان تأثیر گذاشته‌است. اگر در دهه‌های گذشته ازدواج در اوایل دهه بیست‌زنگی یک‌امر طبیعی و مورد انتظار تلقی می‌شد، امروز بسیاری از جوانان تا اواخر دهه بیست و حتی دهه سی زندگی خود را در وضعیت مجرددسپری می‌شدند؛ این تغییر صرفاً یک انتخاب فردی نیست، بلکه محصول در هم تنیدگی پیچیده‌ای از عوامل اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و روان‌شناختی است که هر کدام سهمی در این روند دارند.

کاهش فشارها و ناهنجاری‌ها باعث افزایش سن ازدواج شده است

از منظر جامعه‌شناختی، افزایش سن ازدواج را می‌توان در چارچوب «گذار به مدرنیته» و تغییر الگوهای ارزشی تحلیل کرد. اما، الله‌قرایی جامعه‌شناس در این باره به «تعادل» می‌گوید: جامعه ایران طی سه دهه اخیر با نوعی «گذار نسلی» و رو‌رو شده‌است؛ نسلی که نسبت به نسل‌های پیشین، تحصیلات بالاتری دارد، فردگراتر است، و تمایل بیشتری به تجربه‌های فردی، پیشرفت شغلی و استقلال شخصی پیش از ازدواج دارد. او می‌افزاید: در گذشته، ازدواج نه‌تنها یک انتخاب شخصی، بلکه یک الزام اجتماعی بوده؛ فشارهای هنجاری خانواده و جامعه، جوانان را در سنین پایین‌تر به تشکیل خانواده سوق می‌داد. اما امروز، این فشارها کاهش یافته و جای خود را به انتخاب آگاهانه‌تر داده‌است. این استاد جامعه‌شناسی تأکید می‌کند: تغییر در نقش‌های جنسیتی نیز از عوامل مهم افزایش سن ازدواج است. حضور گسترده‌تر زنان در دانشگاه‌ها و بازار کار، موجب شده‌است که بسیاری از دختران بولایت خود را بر تحصیل و تثبیت موقعیت شغلی قرار دهند. این امر نه‌تنها زمان ازدواج را به تعویق می‌اندازد،



بلکه معیارهای انتخاب همسر را نیز تغییر می‌دهد. قرایی ادامه می‌دهد: زنان تحصیل کرده معمولاً به دنبال همسری با سطح تحصیلات و جایگاه اجتماعی هم‌تراز یا بالاتر هستند، در حالی که ساختار بازار کار و اشتغال مردان لزوماً چنین هم‌ترازی را فراهم نمی‌کند. همین عدم توازن، فرآیند همسرگزینی را دشوارتر می‌سازد.

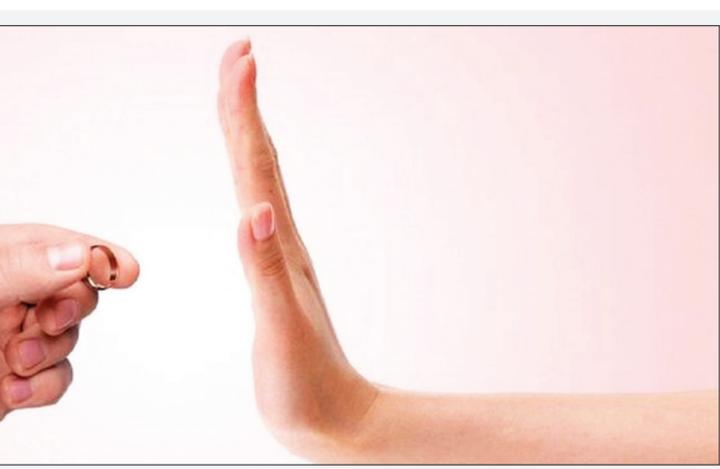
شهرنشینی گسترده و تغییر سبک زندگی نیز بر الگوی ازدواج اثر گذاشته است

است. این جامعه‌شناس می‌گوید: در نهایت، افزایش سن ازدواج را باید به عنوان نشانه‌ای از تحول عمیق در ساختار اجتماعی ایران درک کرد؛ تحولی که هم‌فرضت‌هایی برای رشد فردی و فراهم می‌کند و هم چالش‌هایی برای آینده جمعیتی کشور به همراه دارد. قرایی در پایان می‌گوید: پاسخ به این چالش، نه در ساده‌سازی مساله، بلکه در فهم پیچیدگی‌های آن و اتخاذ سیاست‌هایی هماهنگ در حوزه اقتصاد، فرهنگ و سلامت روان نهفته‌است. تنها با چنین رویکردی می‌توان امید داشت که جوانان، بدون احساس فشار یا اضطراب، در زمان مناسب و با آمادگی کافی، تصمیم به تشکیل خانواده بگیرند.

اما اگر از زاویه اقتصاد به موضوع نگاه کنیم، تصویر حتی روشن‌تر می‌شود. علیرضا یعقوبی، کارشناس اقتصادی در این باره به تعادل می‌گوید: افزایش سن ازدواج بیش از هر چیز، بازتاب مستقیم شرایط اقتصادی است. در دهه اخیر، تورم مزمن، افزایش قیمت مسکن، بی‌ثباتی بازار کار و کاهش قدرت خرید خانوارها، چشم‌انداز تشکیل زندگی مستقل را برای جوانان دشوار کرده‌است. او می‌افزاید: ازدواج در ایران همچنان با مجموعه‌ای از هزینه‌های قابل توجه همراه است؛ از تأمین مسکن گرفته تا برگزاری مراسم و تأمین جهیزیه. حتی اگر برخی خانواده‌ها در سادسازی مراسم گام برداشته باشند، هزینه مسکن

آنفلوآنزا در ۲ استان بالاتر از سطح هشدار

بررسی‌هایبناگر این است که آنفلوآنزا در هفته پایانی بهمن ماه، در تهران و آبان حدود ۱٫۵ برابر آستانه هشدار است. بر اساس داده‌های نظام مراقبت دیدوری و بنابر اعلام مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت، نسبت موارد دارای علامت عفونت‌های تنفسی «ILI» و «SARI» طی هفته چهارم بهمن ماه در مراجعین بستریایی و بستری تغییری نداشت، به طوری که ۸٫۹ درصد از مراجعین سربایایی، دارای علامت شبیه آنفلوآنزا «ILI» و ۸٫۱ درصد از مراجعین بستری نیز دارای علامت تنفسی شدید «SARI» بودند. نیمه‌دوم بهمن ماه سال جاری، از میان ۱۲۰ نمونه‌اخذشده در این دیدوری که مربوط به استان‌های تهران و هرمزگان است؛ رینتورس با ۱۹٫۲ درصد، شایع‌ترین پاتوزن تنفسی در گردش بود. همچنین HMPV و آنفلوآنزایه ترتیب با ۸/۵ و ۵ درصد در جایگاه دوم و سوم قرار دارند.



همچنان مهم‌ترین مانع به شمار می‌رود. این کارشناس اقتصادی خاطر نشان می‌کند: بازار کار جوانان با نرخ بالای بیکاری و اشتغال‌های موقت و غیررسمی مواجه است. بسیاری از جوانان، به‌ویژه مردان که همچنان در فرهنگ غالب نقش تأمین‌کننده اصلی خانواده را بر عهده دارند، تا زمانی که به در آمدی پایدار و قابل پیش‌بینی نرسند، تمایلی به ازدواج نشان نمی‌دهند. یعقوبی تأکید می‌کند: این نااطمینانی اقتصادی، نه‌تنها زمان ازدواج را به تعویق می‌اندازد، بلکه بر کیفیت روابط پیش از ازدواج نیز تأثیر می‌گذارد؛ زیرا برنامه‌ریزی بلندمدت در شرایط بی‌ثبات دشوار است. او در بخش دیگری از سخنان خود با بیان این مطلب که افزایش سن ازدواج صرفاً نتیجه «گرانی» نیست، بلکه حاصل «اطمینانی» است، می‌گوید: در اقتصادی که آینده شغلی مبهم است و چشم‌انداز در آمدی قابل پیش‌بینی وجود ندارد، جوانان ترجیح می‌دهند تصمیمات پرهزینه و بلندمدت مانند ازدواج را به تعویق بیندازند. حتی تسهیلات دولتی مانند وام ازدواج، اگر چه می‌تواند بخشی از هزینه‌های اولیه را پوشش دهد، اما در برابر هزینه‌های مستمر زندگی، نقش تعیین‌کننده‌ای ندارد.

افزایش سن ازدواج بیش از هر چیز بازتاب مستقیم شرایط اقتصادی است

اما اگر از زاویه اقتصاد به موضوع نگاه کنیم، تصویر حتی روشن‌تر می‌شود. علیرضا یعقوبی، کارشناس اقتصادی در این باره به تعادل می‌گوید: افزایش سن ازدواج بیش از هر چیز، بازتاب مستقیم شرایط اقتصادی است. در دهه اخیر، تورم مزمن، افزایش قیمت مسکن، بی‌ثباتی بازار کار و کاهش قدرت خرید خانوارها، چشم‌انداز تشکیل زندگی مستقل را برای جوانان دشوار کرده‌است. او می‌افزاید:

ازدواج در ایران همچنان با مجموعه‌ای از هزینه‌های قابل توجه همراه است؛ از تأمین مسکن گرفته تا برگزاری مراسم و تأمین جهیزیه. حتی اگر برخی خانواده‌ها در سادسازی مراسم گام برداشته باشند، هزینه مسکن

رویداد

مسوولان معیشت مردم را مدیریت نمی‌کنند، اما حقوق‌های بالایی می‌گیرند



حقوق ۱۰۰۰ دلاری رییس‌جمهور نمایانگر شکاف طبقاتی بسیار عمیقی است. «عالیه شکربریکی» جامعه‌شناس و عضوهایت علمی دانشگاه در تحلیل خود از اعلام صریح حقوق هزار دلاری رییس‌جمهور به ایلنا گفت: در یک نشست عمومی اعلام شد که حقوق ماهانه دکتر پزشکیان به‌عنوان رییس‌جمهور حدود هزار دلار است. این اظهارات صریح، جنجالی شد و در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی بازتاب گسترده‌ای یافت. به طوری که مردم نسبت به این سخن رییس‌جمهور واکنش نشان دادند. حال سوال این است که چرا این واکنش‌ها رخ داد و اساساً حقوق هزار دلاری رییس‌جمهور چه معنایی دارد؟ او افزود: اگر بخواهیم نرخ دلار آزاد فعلی - که حدود ۱۶۰ تا ۱۶۲ هزار تومان است - محاسبه کنیم، این رقم (هزار دلار) معادل حدود ۱۶۰ تا ۱۶۲ میلیون تومان در ماه می‌شود. در حالی که حقوق رییس‌جمهور در کشورهای مختلف تفاوت زیادی دارد، در شرایط فعلی جامعه ایران که با بحران‌های اقتصادی، مشکلات معیشتی و فشارهای اقتصادی بر خانواده‌ها، کارگران، کارمندان، اساتید دانشگاه و دیگر اقشار مواجه‌است، این مساله به‌ویژه مورد توجه و بحث قرار می‌گیرد.

جامعه ایران دچار فقر گسترده و شکاف طبقاتی عمیق است

این جامعه‌شناس خاطر نشان کرد: این مبلغ بسیار بیشتر از حداقل دستمزد کارگران ساده است؛ که پایه حقوق نشان تقریباً بین ۱۰ تا ۱۷ میلیون تومان گزارش می‌شود، یعنی معادل حدود ۶۰ تا ۱۰۰ دلار در هر ماه. آقای پزشکیان این رقم را در جلسه گذشته مطرح کرد. این مقایسه بیشتر به منظور نشان دادن افت شدید ارزش پول ملی و کوچک شدن سفره مردم انجام شده است. تا اینجا ما مساله را مطرح کرده‌ایم؛ اکنون اگر بخواهیم این تحلیل را در چارچوب فقر جامعه ایران به کار ببریم، این صحبت دقیقاً همان نقطه‌ای را برجسته می‌سازد که در مردم نشان می‌دهد؛ جامعه ما دچار فقر گسترده و شکاف طبقاتی عمیقی است.

احساس بی‌عدالتی در میان مردم شدید است

عالیه شکربریکی تصریح کرد: اگر بخواهیم مقایسه‌ای بین رییس‌جمهور و یک کارگر ساده داشته باشیم، می‌بینیم که رییس‌جمهور حدود ۱۰ تا ۱۵ برابر درآمد کارگر ساده را دارد. این شکاف در بسیاری از کشورهای وجود دارد، اما در ایران که بر پایه آمارهای موجود نرخ فقر مطلق بالای ۳۰ تا ۴۰ درصد و گزارش‌های فقر شدید بالای ۲۰ درصد برای خانوارها است، این تفاوت به‌وضوح قابل مشاهده است و احساس بی‌عدالتی را در میان مردم شدیداً است.

هشدار نسبت به انتقال فقر به نسل‌های آینده

وی با اشاره به تورم ۴۰ تا ۵۰ درصدی سالانه و نرخ فقر ۲۶ درصدی گفت: این شکاف در آمدی طبق گزارش‌های اقتصادی نشان‌دهنده برابری است. ضرب‌بجینی در ایران به ۴۲ درصد رسیده که بالای میانگین جهانی است و به سطح هشداردهنده‌ای رسیده و فقر را به نسل‌های بعدی منتقل می‌کند. به گفته این جامعه‌شناس، اگر نگاهی به عملکرد رییس‌جمهور بیندازیم، آقای پزشکیان از تیرماه ۱۴۰۳ به قدرت رسید و وعده‌هایی نظیر دولت رفاه، کاهش تورم، افزایش یارانه‌ها و مذاکره برای رفع تحریم‌ها را داد. اما بعد از ۱۸ ماه تا بهمن ۱۴۰۴، عملکردش در حوزه معیشت و فقر مورد انتقاد جامعه قرار گرفته است. تورم همچنان بالای ۴۰ درصد باقی مانده و رشد اقتصادی زیر ۲ درصد است که کمتر از پیش‌بینی‌های اولیه است. گزارش‌ها نشان می‌دهند که فروپاشی معیشت در همین دوره تشدید شده است. جنبه مثبت صحبت‌های رییس‌جمهور این است که برخی رسانه‌ها به شفافیت او در اعلام حقوقش اشاره کرده‌اند و آن را نشانه‌ای از صداقت او دانسته‌اند. به نظر می‌رسد هدف او انتقال کلی سیستم اقتصادی بوده و نه شکایت از حقوق خود.

فقر و تشدید آن به بی‌اعتمادی اجتماعی منجر می‌شود

وی افزود: وقتی عدد زیادی از مردم زیر خط فقر هستند، جامعه‌شناسان پیش‌بینی می‌کنند که این وضعیت منجر به تشدید فقر و تشدید نا امانی به بی‌اعتمادی اجتماعی منجر می‌شود. وقتی مسوولان در شرایطی که معیشت مردم را مدیریت نمی‌کنند، حقوق‌های بالایی دریافت می‌کنند، این امر می‌تواند به اعتراضات و اعتصابات کارگران و بانگ‌نهیست‌ها دامن بزند و مهاجرت نخبگان نیز شدت می‌گیرد. او با انتقاد از اینکه سالانه حدود ۱۵۰ هزار متخصص از ایران مهاجرت می‌کنند و این به دلیل ساختاری تحریم‌ها و مدیریت ناکارآمد است، گفت: انتظارات از رییس‌جمهور بسیار بالاست و در نتیجه، فقر از مطلق به نسبی تبدیل می‌شود. این وضعیت تأثیرات منفی بر سلامت روان جامعه دارد و می‌تواند منجر به افزایش افسردگی، خودکشی و آسیب‌های اجتماعی شود. همچنین حقوق بالای آقای پزشکیان نماد بحران عمیق‌تری است؛ جامعه‌ای که حتی بالاترین مقامش نیز تحت تأثیر تورم قرار دارد، در حالی که مشکلات قشرهای پایین نادیده گرفته می‌شود. این مساله باعث می‌شود خشم و نارضایتی در جامعه افزایش یابد.

دلاری شدن ذهنیت اقتصادی مسوولان

شکربریکی با بیان اینکه دو مین موضوعی که باعث واکنش جامعه شد، دلاری شدن ذهنیت اقتصادی است، افزود: وقتی رییس‌جمهور در سخنرانی عمومی حقوق خود را به دلار اعلام می‌کند، این نشان‌دهنده این است که ارزش واقعی در آمدها در اقتصاد ایران تنها دلار سنجیده می‌شود. با ادامه تورم و سقوط ارزش پول، حتی اگر حقوق ریالی افزایش یابد، قدرت خرید دلاری آن کاهش می‌یابد. نتیجه این وضعیت کوچک‌تر شدن سفره مردم است. به گفته این استاد دانشگاه، سومین دلیل واکنش جامعه، نقش رسانه‌ها در انتشار صحبت‌های رییس‌جمهور است. بسیاری از مردم با انتقاد اینکه رییس‌جمهور با درآمد هزار دلاری خود گلايه می‌کند، به وضعیت خود که با درآمد ۶۵ دلاری مواجه‌اند، اشاره می‌کنند.



بررسی‌هایبناگر این است که آنفلوآنزا در هفته پایانی بهمن ماه، در تهران و آبان حدود ۱٫۵ برابر آستانه هشدار است. بر اساس داده‌های نظام مراقبت دیدوری و بنابر اعلام مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت، نسبت موارد دارای علامت عفونت‌های تنفسی «ILI» و «SARI» طی هفته چهارم بهمن ماه در مراجعین بستریایی و بستری تغییری نداشت، به طوری که ۸٫۹ درصد از مراجعین سربایایی، دارای علامت شبیه آنفلوآنزا «ILI» و ۸٫۱ درصد از مراجعین بستری نیز دارای علامت تنفسی شدید «SARI» بودند. نیمه‌دوم بهمن ماه سال جاری، از میان ۱۲۰ نمونه‌اخذشده در این دیدوری که مربوط به استان‌های تهران و هرمزگان است؛ رینتورس با ۱۹٫۲ درصد، شایع‌ترین پاتوزن تنفسی در گردش بود. همچنین HMPV و آنفلوآنزایه ترتیب با ۸/۵ و ۵ درصد در جایگاه دوم و سوم قرار دارند.



در برخی از آزادی‌های فردی است. اگر فرد از نظر هویتی و عاطفی به بلوغ نرسیده باشد، ممکن است این تعهد را تهدید می‌کند و آن را به تعویق اندازد. او تأکید می‌کند: نکته دیگر، تجربه‌های منفی پیرامونی است. مشاهده هلاق‌های متعدد در میان اطرافیان یا در فضای عمومی جامعه، می‌تواند ترس از شکست را در ذهن جوانان تقویت کند. این ترس، به‌ویژه در میان افرادی که شاهد تعارض‌های شدید خانوادگی بوده‌اند، باعث می‌شود ازدواج را تصمیمی پرریسک بدانند و تا حد امکان آن را به تعویق بیندازند. این روان‌شناس ادامه می‌دهد: بخشی از افزایش سن ازدواج ناشی از افزایش «احتیاط هنجاری» است؛ یعنی افراد ترجیح می‌دهند دیرتر ازدواج کنند، اما با شناخت بیشتر و احتمال شکست کمتر.

افزایش سن ازدواج نه صرفاً اقتصادی

نه فرهنگی یا روانی؛ بلکه نتیجه هم‌افزایی این عوامل است

ترکیب این سه دیدگاه نشان می‌دهد که افزایش سن ازدواج سه پدیده‌ای صرفاً اقتصادی است و نه صرفاً فرهنگی. بیرونی بلکه نتیجه هم‌افزایی این عوامل است. اقتصاد نا پایدار، تغییر ارزش‌های اجتماعی، افزایش تسهیلات، تحول در نقش‌های جنسیتی و رشد فردگرایی، همگی در شکل‌گیری این روند نقش دارند. در چنین شرایطی، سیاست‌گذاری برای کاهش سن ازدواج نیازمند رویکردی چندبعدی است.